

تحلیل فقهی حکم نوافل ظهر و عصر در اماکن چهارگانه تخییر مسافر

حسین شهریاری نسب^۱

چکیده

یکی از احکام نماز مسافر، علاوه بر شکسته شدن نماز، سقوط نمازهای نافله ظهر و عصر است. از طرفی طبق روایات فراوانی، مسافر در حرمین شریفین مکه و مدینه، حرم امام حسین علیه السلام و مسجد کوفه - که به اماکن اربعه تخییر موسوم هستند - الزامی به قصر نماز ندارد و مخیر است که نماز خود را به قصر یا اتمام بخواند و فقهای شیعه، غیر از تعداد اندکی، در این زمینه متفق القول هستند. حال این سؤال قابل طرح است که نوافل ظهر و عصر در این اماکن مشروع هستند یا اینکه همچنان محکوم به سقوط اند؟ و آیا حکم نوافل کسی که نماز قصر را اختیار کرده، مانند کسی است که نماز تمام را اختیار کرده است؟ این سؤال از آنجاری می نماید که شاید موضوع حکم سقوط نوافل، مطلق مسافر نباشد، بلکه موضوع آن کسی باشد که نماز واجب را به قصر می خواند. فقهای شیعه در این مسئله اختلاف دارند.

نویسنده در این پژوهش که به روش کتابخانه ای و نرم افزاری نوشته شده است، در پی بررسی فقهی این اختلاف و یافتن قول صحیح در مسئله است. از مجموع ادله چنین به نظر می رسد که نوافل در این اماکن، غیر از مسجد کوفه،

صحیح و مشروع هستند، هر چند شخص نماز خود را به قصر بخواند.

کلید واژه‌ها:

اماکن اربعه، اماکن تخییر، نوافل یومیه، نماز مسافر، نافله مسافر

مقدمه

یکی از احکام شرعی مسافر شکسته شدن نمازهای چهار رکعتی اوست و به تصریح روایات متعدد، نمازهای نافله روزانه و همچنین به فتوای مشهور نافله عشا (وتیره) برای چنین کسی تشریح نشده است. از طرفی بر پایه روایات بسیاری مسافران در مسجد الحرام، مسجد النبی، حرم امام حسین علیه السلام و مسجد کوفه، بین قصر و اتمام نماز خود مخیر هستند. اکثریت قریب به اتفاق فقهای شیعه اصل این حکم را پذیرفته‌اند؛ هر چند در حدود و ثغور دقیق این اماکن با یکدیگر اختلاف دارند.

نوشته حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که حکم خواندن این نوافل در اماکن یادشده برای مسافران چیست؟ طرح این سؤال از آن روست که شاید موضوع حکم سقوط نوافل، مطلق مسافر نباشد بلکه موضوع آن کسی باشد که نماز واجب را به قصر می‌خواند.

بسیاری از زائران و حجاج به واسطه فضای معنوی سفرهای زیارتی، به خواندن نمازهای نافله یومیه و دیگر نمازهای مستحبی رغبت بسیار دارند؛ اما باید توجه داشت که عبادات، توقیفی هستند و نیاز به تشریح شارع دارند. پس بررسی این مسئله، می‌تواند برای مکلفین راهگشا باشد.

این فرع تنها در برخی از کتب فقهی متأخر و معاصر طرح شده و مباحث استدلالی فراوانی پیرامون آن به چشم نمی‌خورد. نوآوری این نوشته گذشته از تقویت استدلال‌های قول صحیح و بیان وجوه ضعف ادله اقوال رقیب، بیان تفصیل بین مسجد کوفه و دیگر اماکن اربعه در حکم نوافل است.

در این نوشته ابتدا به طرح اقوال و ادله آنها می پردازیم و پس از توضیح تفصیلی آنها به نقد اقوال می پردازیم. آنچه از ادله خاصه مسئله اخذ می شود، مربوط به حرمین شریفین مکه و مدینه و حرم امام حسین علیه السلام است و حکم مسجد کوفه، از ادله عام استخراج می شود. پس در آغاز حکم سه مکان مذکور را بیان می کنیم و در پایان، بحث از مسجد کوفه را طرح می کنیم.

ذکر این نکته لازم است که در این مقاله به صورت خاص به حکم نافله عشا و بررسی منشأ اختلاف فتاوا در خصوص آن نپرداخته ایم؛ چراکه این مبحث می تواند موضوع مقاله مستقلی باشد و ذکر آن موجب تطویل نوشته حاضر می شود؛ هرچند بسیاری از مباحث طرح شده درباره نافله ظهرین، نافله عشا را نیز در بر می گیرد.

مفاهیم اساسی تحقیق

۱. مفهوم نافله

کلمه «نافله» از ریشه «نفل» در لغت به معنای «اعمال خیریش از حد وظیفه» است. صاحب العین می گوید: «التَّائِلَةُ: العَطِيَّةُ يعطيها تطوعاً بعد الفريضة من صدقة أو صلاح أو عمل خير». (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۳۲۵)

در دانش فقه به مطلق نمازهای مستحبی نافله گفته می شود. همچنین به صورت اخص به نوافل نمازهای یومیه که در شبانه روز ۳۴ رکعت هستند نیز لفظ نافله اطلاق می شود. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۶۱)

۲. مفهوم اماکن تخیر

مسافران باید نمازهای چهار رکعتی خود را به صورت قصر بخوانند. اما این حکم در خصوص چهار مکان به صورت اختیاری تشریح شده است؛ یعنی مسافر می تواند در آن اماکن نماز خود را به قصر یا به اتمام بخواند. این مکان های چهار گانه عبارتند

از: «مسجد الحرام، مسجد النبی، حرم امام حسین علیه السلام و مسجد کوفه». در حدود و ثغور این مکان‌ها بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۳۳۸) اما اکثر قریب به اتفاق فقهای شیعه، اصل این حکم را پذیرفته‌اند. (همان، ص ۳۲۹)

طرح مسئله

یکی از احکام شرعی مسافری که وظیفه‌اش خواندن نماز قصر است، سقوط نمازهای نافله روزانه است. (نجفی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۳۹، ۴۰) از روایات فراوانی استفاده می‌شود که مسافران در مسجد الحرام، مسجد النبی، حرم امام حسین علیه السلام و مسجد کوفه، بین قصر و اتمام نماز خود مخیر هستند و نظر مشهور فقها نیز چنین است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۵۲۴-۵۳۴) حال این سؤال مطرح می‌شود که مسافری که به این مکان‌ها رفته است، آیا می‌تواند این نوافل را به جا آورد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ این سؤال، آیا جواز نافله مختص به حال انتخاب نماز تمام است یا اینکه فارغ از نیت قصر یا اتمام، نوافل مذکور برای او مشروع هستند؟ عموماً یا ادله خاصه این مسئله، مقتضی چه حکمی هستند؟

اقوال فقها در مسئله و ادله آنها

در پاسخ به این سؤال نظرات زیر ارائه شده است:

۱. خواندن تمام نوافل در این مکان‌ها مشروع است. از قائلین به این قول می‌توان به شهید اول، ابن ادریس (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۳۳۵)، مقدس اردبیلی (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۴۲۷) و محقق سبزواری (محقق سبزواری، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۴۱۳) اشاره کرد.

۲. خواندن نوافلی که در سفر ساقط می‌شوند، در این مکان‌ها نیز مشروع نیست.

۳. در صورت نیت تقصیر، خواندن این نوافل مشروع نیست و در صورت نیت اتمام،

مشروع است. مرحوم صاحب حدائق این قول را نزدیک به احتیاط می دانند. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۴۶۸)

۱. ادله قول اول

الف) روایت علی بن ابی حمزه

جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلَوَيْهِ فِي الْمَزَارِ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ قَالَ: سَأَلْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: «مَا أَحَبُّ لَكَ تَرْكُهُ» قُلْتُ وَمَا تَرَى فِي الصَّلَاةِ عِنْدَهُ وَأَنَا مُقَصِّرٌ قَالَ: «صَلِّ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ مَا شِئْتَ تَطَوُّعًا وَ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مَا شِئْتَ تَطَوُّعًا وَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنِّي أَحَبُّ ذَلِكَ» قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ بِالنَّهَارِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَشَاهِدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَ الْحَرَمَيْنِ تَطَوُّعًا وَ نَحْنُ نَقْصُرُ فَقَالَ: «نَعَمْ مَا قَدَرْتُ عَلَيْهِ». ^۱ (حرعالمی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۵۳۵)

بحث سندي

مراد از عبد صالح در متن، امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ است. (مازندرانی حائری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۶) چهارتن از راویان این حدیث از بزرگان شیعه و مورد اعتماد هستند که عبارتند از: ابن قولویه و پدرش، محمد بن حسن بن ولید و حسین بن سعید. اما بقیه راویان حدیث، نیاز به بررسی دارند. این افراد، که هیچ یک توثیق خاصی ندارند، عبارتند از:

۱. علی بن ابی حمزه می گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره زیارت قبر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم. ایشان فرمودند: «نمی پسندم که این کار را ترک کنی». پرسیدم: نظر شما درباره اینکه کنار قبر ایشان نماز بخوانم درحالی که نماز شکسته است، چیست؟ فرمودند: «در مسجد الحرام هر چه می خواهی نماز مستحب بخوان. در مسجد النبی و نزد قبر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز همین طور که من این کار را دوست دارم». راوی می گوید: از ایشان درباره نماز کنار قبر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ، مشاهد پیامبر و حرمین شریفین در روز، هنگامی که نماز شکسته است، پرسیدم. ایشان فرمودند: «بله، هر چه می خواهی این کار را انجام بده».

۱. حسین بن حسن بن ابان.

برای اثبات وثاقت او راه‌هایی ذکر شده است:

ابن ولید، که یک رجالی ماهرو سخت‌گیر بوده است، از این شخص روایات فراوانی دارد که این نشان از وثاقت او دارد.

وی در طرق احادیث کامل الزیارات قرار دارد و به شهادت ابن قولویه تمام کسانی که در طریق احادیث کامل الزیارات هستند، ثقة‌اند.

ابن داوود در رجال خود، ضمن ترجمه محمد بن اورمه وی را توثیق کرده است.

علامه در خلاصه الاقوال طریق شیخ صدوق به حسین بن سعید اهوازی را صحیح معرفی کرده‌اند و در این طریق حسین بن حسن وجود دارد. (خویی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۱۲)

۲. قاسم بن محمد جوهری

این شخص نیز فاقد توثیق خاص است و به او نسبت وقف داده‌اند ولی دوره‌ها برای اثبات وثاقت او مطرح است:

الف) طبق مبنای کسانی که مشایخ اصحاب اجماع را توثیق می‌کنند، وی ثقة به شمار می‌رود؛ چراکه ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی از وی روایت نقل کرده‌اند.

ب) اکثر روایات حسین بن سعید اهوازی نیز یک توثیق عملی برای او به شمار می‌رود. البته با این ضمیمه که حسین بن سعید با وجود هزاران روایتی که نقل کرده است، متهم به نقل از ضعفا و مجاهیل نشده است.

اگر واقفی بودن او اثبات بشود، مانع قبول روایات او نیست؛ چراکه وثاقت برای قبول خبر کافی است و صرف فساد عقیده موجب وهن روایت نمی‌شود. (شبیری زنجانی،

۱۴۱۹ق، ج ۱۷، ص ۵۳۶۳)

۳. علی بن حمزه بطائنی

او از سران واقفه بوده و بین علما اختلاف فراوانی در قبول یا رد روایات او به چشم

می خورد. علت این اختلافات، اختلاف اموری است که درباره او نقل شده است. درباره او نکوهش هایی از امام کاظم علیه السلام نقل شده و همچنین ابن فضال، او را کذاب و متهم شمرده است. از طرف دیگر او از مشایخ بزرگانی چون صفوان و ابن ابی عمیر و بنظری است و در اسناد کامل الزیارات و تفسیر قمی نیز واقع شده است. (خویی، بی تا، ج ۱۱، ص ۲۲۵-۲۲۶)

برخی روایات او را مطلقاً حجت می دانند؛ چراکه پس از وقف، شیعیان دیگر از او روایت نمی کرده اند. پس همه روایات او مربوط به قبل از وقف است و در آن زمان قرائن زیادی بروثاقت او وجود داشت. برخی مانند آیت الله خویی مطلقاً روایات او را قبول نمی کنند و برخی نیز قائل به تفصیل هستند و روایاتی که یقیناً قبل از وقف بوده را قبول می کنند و دیگر روایات او را کنار می گذارند. (سیستانی، ۱۴۳۷ق، ج ۱، ص ۳۵۹ - ۳۴۰)

بحث دلالی

یکی از سؤالات روایت چنین است که «در حال قصر فریضه، خواندن نماز تطوعی چه حکمی دارد؟» امام علیه السلام نیز پاسخ داده اند: «هرچه می خواهی نماز تطوعی بخوان». مراد از نماز تطوع در این روایت نماز نافله است، نه مطلق نماز مستحبی؛ چراکه میان عامه و خاصه هیچ فقیهی، مسئله ممنوعیت یا مشروعیت نماز مستحبی در سفر را مطرح نکرده است؛ چه برسد به اینکه فتوا به منع آن بدهد. تنها محل نزاعی که از فضای فقهی آن دوران گزارش شده است، نوافل روزانه میان خاصه (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۸۱-۸۴) و تمام نوافل شبانه روز میان عامه است. (نووی، بی تا، ج ۴، ص ۴۰۰، ۴۰۱)

مؤید این مطلب روایات فراوانی است که از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در تشویق به کثرت نماز در این دو مسجد وارد شده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ابواب احکام المساجد، باب های ۴۶، ۵۲، ۵۷ و ۶۰) از طرفی حرمین شریفین همواره مقصد زائران از شهرهای دور و نزدیک بوده است. کثرت این مطلقات، در کنار ابتلای زائران پرشمار به این مسئله،

مانع شکل‌گیری توهم ممنوعیت نماز مستحبی برای مسافر در این مکان‌ها می‌شود. بنابراین حمل سؤال به مطلق نماز مستحبی، وجیه نیست.

علاوه بر اینکه اگر مراد سائل مطلق نمازهای مستحبی باشد، تقیید سؤال به این مکان‌ها چه وجهی دارد؟ همچنین امام علیه السلام در پاسخ سؤال اول نام مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله را برده‌اند که نشانگر این است که مراد، مطلق نماز مستحبی نیست و الا وجهی برای ذکر این موارد نبود.

ذکر این نکته نیز لازم است که واژه‌های «تطوع، نافله» و مشتقات آنها درباره نماز، در موارد زیادی در نوافل شبانه روزی استعمال شده‌اند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۸۷-۲۸۹) انتظار اولیه این است که امام علیه السلام کنار این مکان‌ها، مسجد کوفه را هم ذکر می‌کردند؛ چراکه یکی از مکان‌های تخییر همین مسجد است. اما این انتظار بی‌جاست؛ چون هیچ ملازمه‌ای بین تخییر در قصر و اتمام فریضه و مشروعیت نافله وجود ندارد. همان‌گونه که طبق روایات در مسجد غدیر خم^۱ و مشاهد پیامبر، مانند منطقه احد و بدر، می‌توان نوافل روزانه را در سفر هم به جا آورد.

اشکال

عبارت «ماشئت» در جواب سؤال دوم و «ما قدرت علیه» در جواب سؤال سوم نشان می‌دهد که موضوع کلام امام و سائل، مطلق نماز مستحبی است؛ چراکه چنین تعبیرهایی عرفاً در خصوص اموری به کار می‌رود که تعداد زیادی گزینه در اختیار مخاطب است و هر تعداد از این گزینه‌ها را می‌تواند انتخاب کند، نه درباره نمازهای

۱. «أبو علي الأشعري عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان بن يحيى عن عبد الرحمن بن الحجاج قال: سألت أبا إبراهيم عليه السلام عن الصلاة في مسجد غدیر خمّ بالهزار وأنا مسافر فقال صلّ فيه فإنّ فيه فضلاً وقد كان أبي يأمر بذلك»؛ «عبد الرحمن بن حجاج می‌گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره نماز هنگام روز، در سفر در مسجد غدیر خم پرسیدم. ایشان فرمودند: در آنجا نماز بخوان که فضیلت دارد. پدرم نیز به همین کار توصیه می‌کرد». (کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۶۶)

نافله که تعداد محدود و نسبتاً اندکی هستند. در این صورت عموم این روایت با روایاتی که متضمن سقوط نوافل یومیه مسافر هستند، تخصیص می خورد؛ چون موضوع این روایت، مطلق نماز مستحبی در سفر است و موضوع آن ادله، نوافل یومیه در سفر است. پس لازم است که این روایت را تخصیص بزنیم.

پاسخ

اولاً این نوع عبارت پردازی لزوماً درباره امور کثیر و پرتعداد نیست؛ یعنی به اقتضای بافت کلام و قرائن پیرامونی، این عبارات می تواند درباره امور کثیره بیاید و بیانگر توسعه در تعداد باشد و می تواند درباره امور محدودی بیاید که در آن صورت معنای توسعه در انتخاب^۱ را می رساند؛ مثلاً عبارت «کل من ثمار الحدیقه ما شئت» به معنای «هرچه دلت می خواهد بخور» است و معنای توسعه در تعداد را افاده می کند. اما اگر سخن از ابتدا در یک محدوده ضیق باشد، می تواند توسعه در انتخاب را برساند؛ مثل این روایت:

سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّفَرِ قَالَ: «رَكَعَتَيْنِ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَلَا بَعْدَهُمَا شَيْءٌ إِلَّا أَنَّهُ يَنْبَغِي لِلْمُسَافِرِ أَنْ يُصَلِّيَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَ لَيَتَطَوَّعُ بِاللَّيْلِ مَا شَاءَ إِنْ كَانَ نَزَالًا وَإِنْ كَانَ رَاكِبًا فَلْيُصَلِّ عَلَى دَابَّتِهِ وَهُوَ رَاكِبٌ وَ لَتَكُنْ صَلَاتُهُ إِيمَاءً».^۲
(همان، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۳۹)

۱. مراد از توسعه در انتخاب در مقابل توسعه در تعداد، این است که در اولی تمرکز کلام بر مطلق تخییر در انتخاب یک یا چند گزینه است و در دومی علاوه بر تخییر در انتخاب، انتخاب گزینه های پر شمار نیز بلا اشکال است. توسعه در تعداد در اموری است که هم پرتعداد هستند هم نوعاً میل به انتخاب گزینه های فراوان در آنها زیاد است.

۲. از امام درباره نماز در سفر پرسیدم. ایشان فرمودند: «نماز در سفر دو رکعت است و قبل و بعد از آن دو رکعت، چیزی وجود ندارد؛ البته شایسته است که مسافر بعد از نماز مغرب چهار رکعت نماز بخواند و در شب نیز اگر پیاده است، هرچه می خواهد نماز مستحب بخواند و اگر سواره بر مرکب است، روی همان مرکب نماز بخواند و نماز او باید با اشاره باشد».

به قرینه سیاق، کلام در خصوص نمازهای نافله مأثور سخن می‌گوید، نه مطلق نماز مستحبی. پس عبارت «و لیتطوع باللیل ما شاء» در خصوص یازده رکعت نماز شب گفته شده است که تعداد زیادی نیست. معنای عبارت نیز چنین است که هر مقدار از این مجموعه را که مایل هستی، به جا بیاور.

ثانیاً در فرض پذیرفتن اشکال فوق، باید گفت که تعداد نمازهای نافله چندان اندک نیست؛ خصوصاً اگر کل نمازهای نافله‌ای که شخص در طول مدت اقامت می‌خواهد به جا بیاورد را در نظر بگیریم، استفاده از چنین تعبیری کاملاً متناسب است.

ثالثاً اگر هیچ یک از مطالب بالا را نپذیریم، علم سائل به استحباب خواندن نماز مستحبی در این اماکن مقدسه، قرینه‌ای بسیار قوی تراز قرینه مذکور است، پس راهی باقی نمی‌ماند جز اینکه محل سؤال را نمازهای نافله بدانیم، نه مطلق نماز مستحبی.

باید گفت در صورتی که این روایت را ناظر به مطلق نمازهای مستحبی بدانیم، نسبت بین این روایت و ادله سقوط نوافل مسافر، عموم و خصوص مطلق است. نتیجه این نسبت، تخصیص این روایت با ادله سقوط نوافل مسافر است.

در مقابل ممکن است توهم شود که نسبت بین این دو دسته، عموم و خصوص من وجه است؛ چراکه موضوع آن ادله، نوافل در حال قصر است و موضوع این روایت، نمازهای مستحبی در حال قصر در اماکن مذکور است.

این نوع نسبت سنجی صحیح نیست. درست این است که این روایت، ذیل عمومات ترغیب به نمازهای مستحبی در همه احوال تعریف شود؛ یعنی بیانگر حصه‌ای از آن دستور عام است. بنابراین اصالت با همان ادله عام است و روشن است که نسبت این عمومات و ادله عدم مشروعیت نوافل در سفر، عموم و خصوص مطلق است.

ب) روایت ابن ابی عمیر

حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمُتَوَسُّوِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَهْيَكٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ التَّطَوُّعِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِمَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ
وَأَنَا مُقَصِّرٌ قَالَ: «تَطَوُّعٌ عِنْدَهُ وَأَنْتَ مُقَصِّرٌ مَا شِئْتَ وَفِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَفِي
مَسْجِدِ الرَّسُولِ وَفِي مَشَاهِدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِنَّهُ خَيْرٌ». ^۱ (ابن قولويه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۴۷)

بحث سندی

جناب ابن قولویه این روایت را با دو سند دیگر هم نقل کرده اند که یکی از آنها عبارت
است از: «حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ جَمِيعًا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ» (همانجا) این سند به راحتی تصحیح یا توثیق
می شود. بنابراین نیازی به بررسی دو سند دیگر نیست.

بحث دلالی

دلالت این روایت نیز واضح است و اشکالات و پاسخ های روایت اول در اینجا نیز
مطرح هستند.

ج) روایت اسحاق بن عمار

حَدَّثَنِي أَبِي رَجْمَةُ اللَّهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ
إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَأَلْتُهُ
عَنِ التَّطَوُّعِ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَشَاهِدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَالْحَرَمَيْنِ وَ التَّطَوُّعِ فِيهِنَّ
بِالصَّلَاةِ وَ نَحْنُ مُقَصِّرُونَ قَالَ: «نَعَمْ تَطَوُّعٌ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ هُوَ خَيْرٌ». ^۲ (همانجا)

۱. ابن ابی عمیر می گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره خواندن نماز مستحب نزد قبر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و در مکه
و مدینه در حالی که نماز شکسته است، پرسیدم. ایشان فرمودند: «در حالی که نماز شکسته است
نزد قبر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ نماز مستحب بخوان و همچنین در مسجد الحرام و مسجد النبی و در مشاهد
پیامبر؛ چرا که اینها همه خیر و نیک است».

۲. اسحاق بن عمار می گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره نماز مستحب کنار قبر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و مشاهد
پیامبر و حرمین (مکه و مدینه) و به جا آوردن نماز مستحب در حالی که نماز شکسته است،
پرسیدم. امام فرمودند: «بله، هر چه می توانی نماز مستحب بخوان که این کار خوب است».

بحث سندی

در سند این روایت تنها علی بن اسماعیل نیاز به بررسی دارد و باقی افراد از بزرگان و ثقات شیعه اند.

میان راویان سه نفر به این نام داریم: علی بن اسماعیل السندی، علی بن اسماعیل بن عیسی و علی بن اسماعیل المیثمی. مرحوم آیت الله خویی می فرماید: «علی بن اسماعیل سندی، نه ثقه است و نه با دو شخص دیگر متحد است». (خویی، بی تا، ج ۱۲، ص ۴۶۵) برخی مانند آیت الله زنجانی علاوه بر اثبات اتحاد علی بن اسماعیل سندی و علی بن اسماعیل میثمی، وی را ثقه می دانند؛ چراکه او از رجال نوادر الحکمة محمد بن احمد بن یحیی، صاحب نوادر الحکمه بوده است و ابن ولید، وی را از رجال این کتاب استثنا نکرده است. (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲۲، ص ۶۸-۸۷)

بحث دلالی

دلالت این روایت، کاملاً مانند حدیث اول است. البته متن حدیث مضطرب است. راوی در ابتدا از مطلق تطوع در این مکان ها پرسیده و سپس به تطوع به صلاه اشاره کرده است. وجه این گونه عبارت پردازی روشن نیست. اما این اضطراب، دلالت روایت به مقصود ما را مخدوش نمی کند. در هر صورت این مضمون که در حالت قصر نماز می توان نوافل را در این مکان ها به جا آورد، ثابت است.

د) روایت دوم اسحاق بن عمار

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنْتَقَلَ فِي الْحَرَمَيْنِ وَعِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَا أَقْصِرُ قَالَ: «نَعَمْ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ». ^۱ (همانجا)

۱. اسحاق بن عمار می گوید: از امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَامُ پرسیدم: فدای شما شوم، می توانم در حرمین و قبر امام

سند و دلالت این روایت نیز مانند روایات قبل است. همه راویان این حدیث از بزرگان و ثقات شیعه اند؛ البته ممکن است که این روایت با حدیث قبلی، متحد باشد و تفاوت آنها تنها در تعبیر باشد؛ چرا که علاوه بر اتحاد مضمونی دو حدیث، راوی اخیر هر دو اسحاق بن عمار و راوی پس از او صفوان بن یحیی است و هر دو روایت از امام کاظم علیه السلام نقل شده اند. هر چند ذکر مشاهد النبى در روایت قبل و نبود آن در این روایت، این فرضیه را تضعیف می کند.

ه) روایت علی بن حدید

عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ إِنَّ أَصْحَابَنَا اخْتَلَفُوا فِي الْحَرَمَيْنِ فَبَعْضُهُمْ يَقْتَضِرُ وَبَعْضُهُمْ يُيَمُّ وَأَنَا مَنِّي عَلَى رِوَايَةِ قَدْ رَوَاهَا أَصْحَابُنَا فِي التَّمَامِ وَذَكَرْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ جُنْدَبٍ أَنَّهُ كَانَ يُيَمُّ قَالَ رَحِمَ اللَّهُ ابْنَ جُنْدَبٍ ثُمَّ قَالَ لِي لَا يَكُونُ الْإِتْمَامُ إِلَّا أَنْ تَجْمَعَ عَلَى إِقَامَةِ عَشْرَةِ أَيَّامٍ وَصَلِّ النَّوَافِلِ مَا شِئْتَ قَالَ ابْنُ حَدِيدٍ وَكَانَ مُحَبِّبِي أَنْ يَأْمُرَنِي بِالْإِتْمَامِ. ^۱ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۴۲۷)

بحث سندی

راوی حدیث قبلی این روایت در تهذیب، احمد بن محمد بن محمد بن عیسی بوده است. بنابراین سند حدیث چنین است: احمد بن محمد بن محمد بن عیسی عن علی بن حدید. با گذر از مقام والای احمد بن محمد، دو نکته قابل توجه است:

حسین علیه السلام در حالی که نماز شکسته است، نماز مستحب بخوانم؟ فرمودند: «بله، هر چه می توانی».

۱. علی بن حدید می گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: اصحاب ما درباره نماز در حرمین اختلاف دارند؛ برخی نماز را شکسته و بعضی تمام می خوانند و من هم از کسانی هستم که نماز را بر اساس روایتی که اصحابمان درباره تمام خواندن نماز روایت کرده اند، تمام می خوانم و گفتم که عبدالله بن جندب نیز نمازش را تمام می خواند. امام فرمودند: «خدا عبدالله بن جندب را پیامزد. اتمام نماز تنها در صورتی است که قصد اقامت ده روزه کنی و نمازهای نافله را هر چه می خواهی بخوان». راوی می گوید: دوست داشتم که امام مرا به تمام خواندن نماز امر می کرد.

۱. مرحوم شیخ طوسی در تهذیب دو طریق به احمد بن محمد دارد که یکی ضعیف و دیگری صحیح است و معلوم نیست که این روایت از کدام یک از دو طریق نقل شده است. پس نمی‌توان به این روایت اعتماد کرد.

برخی مانند مرحوم آیت الله خوئی این اشکال را با تعویض سند پاسخ داده‌اند. توضیح آنکه یکی از طرقی که شیخ در فهرست به احمد بن محمد دارد، از محمد بن علی بن محبوب می‌گذرد. از طرفی ایشان به محمد بن علی نیز دو طریق دارند که یکی صحیح و دیگری ضعیف است. پس نتیجه می‌شود که شیخ از جهت طریق صحیحی که به تمام روایات محمد بن علی دارد، به روایات احمد بن محمد نیز طریق صحیح دارد. (خوئی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۹، ۳۰۰)

۲. علی بن حدید از سوی مرحوم شیخ طوسی تضعیف شده است. هرچند روایاتی در مدح او نیز وجود دارد، ولی این روایات نشانگر وثاقت او نیست. (همان، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۳۰۴)

بحث دلالی

دلالت روایت بر مشروعیت نوافل واضح است؛ چراکه امام علیه السلام می‌فرمایند «اتمام نماز تنها در زمانی صحیح است که قصد اقامت ده روز داشته باشی ولی نوافل را هرچه می‌خواهی بخوان».

اشکال دلالی و پاسخ به آن

ممکن است چنین برداشت شود که عبارت «صل النوافل ما شئت» مربوط به حالتی است که شخص قصد ده روز کرده باشد.

این برداشت صحیح نیست؛ چراکه در صورت قصد ده روز و اتمام نماز، واضح است که می‌توان نوافل را خواند و این فرض محل سؤال نیست. حال آنکه ظاهراً عبارت «صل النوافل ما شئت»، در مقام پاسخ به این سؤال مقدر است: «حال که نماز را شکسته

می خوانم، آیا می توانم نوافل را به جا آورم؟»

نهایتاً کلام امام چنین تبیین می شود که اولاً اتمام نماز منوط به قصد ده روز است و ثانیاً در فرض سؤال می توانی هر قدر خواستی نوافل را به جا آوری.

و) روایت ابویحیی الحنات

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ جَمِيعاً عَنْ أَبِي يَحْيَى
الْحَنَاتِي قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ صَلَاةِ النَّافِلَةِ بِالنَّهَارِ فِي السَّفَرِ فَقَالَ: «يَا بَنِيَّ
لَوْ صَلَّحْتَ النَّافِلَةَ فِي السَّفَرِ مَتَّتِ الْفَرِيضَةَ». ^۱ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶)

بحث سندی

سند این روایت، غیر از راوی اخیر صحیح است؛ اما ابویحیی حنات توثیق ندارد و راهی هم برای اثبات وثاقت او نیست.

بحث دلالی

ترجمه متن روایت این است: از امام صادق عليه السلام پرسیدم: «آیا می توان در حال سفر، نافله روز را خواند؟» حضرت فرمودند: «اگر نماز نافله در سفر درست بود که نماز واجب هم تمام می بود.»
استدلال به این روایت از دو طریق میسر است: عکس قضیه شرطیه و استنباط علت از متن.

استدلال به عکس قضیه شرطیه روایت

در خصوص مدلول این روایت احتمالات و نظریاتی وجود دارد. برخی روایت را دال به این معنا می دانند که بین صحت نافله و تمامیت فریضه ملازمه است؛ یعنی هرگاه

۱. ابویحیی حنات می گوید: من از امام صادق عليه السلام درباره نماز نافله در روز، هنگام سفر پرسیدم. ایشان فرمودند: «پسرم، اگر نافله در سفر کار درستی بود، باید نماز واجب نیز تمام می بود.»

فریضه قصر باشد، نافله صحیح نیست و هرگاه فریضه تمام باشد، نافله صحیح است. (اشتهدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۴۰۹-۴۱۰) برخی دیگر این ملازمه دو طرفه را تنها مختص به حال سفر می دانند. (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۰، ص ۳۵۴) برخی نیز ملازمه را یک طرفه می دانند؛ یعنی وقتی فریضه قصر باشد، نافله صحیح نیست. ولی این عبارت بیانگر رابطه ای بین تمامیت فریضه و صحت نافله نیست. (اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۵۵؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق، ص ۴۳۵)

به نظر می رسد سه احتمال ثبوتی در معنای این قضیه شرطیه وجود دارد:

۱. صحت نافله، علت اتمام فریضه است.

این احتمال دور از تناسب حکم و موضوع و ارتکاز متشرع است. چگونه صحت شأنی نافله علت تشریح اتمام فریضه می شود؟ بر اساس صحیح فضیل بن یسار نوافل بعد از تشریح نماز تمام، تشریح شده اند.^۱ این مطلب نشان می دهد که تمام بودن نماز

۱. «عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: ... ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ الصَّلَاةَ رَكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيْنِ عَشْرَ رَكَعَاتٍ فَأَصَافَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِلَى الرَّكْعَتَيْنِ وَ إِلَى الْمَغْرِبِ رَكْعَةً فَصَارَتْ عَدِيلَ الْفَرِيضَةِ لَا يَجُوزُ تَرْكُهُنَّ إِلَّا فِي سَفَرٍ وَأَفْرَدَ الرَّكْعَةَ فِي الْمَغْرِبِ فَتَرَكَهَا قَائِمَةً فِي السَّفَرِ وَالْمُحْضَرِ فَأَجَازَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذَلِكَ كُلَّهُ فَصَارَتْ الْفَرِيضَةُ سَبْعَ عَشْرَةَ رَكْعَةً ثُمَّ سَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله التَّوَافِلَ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ رَكْعَةً مِثْلَى الْفَرِيضَةِ فَأَجَازَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ ذَلِكَ وَ الْفَرِيضَةُ وَ النَّافِلَةُ إِحْدَى وَ خَمْسُونَ رَكْعَةً»؛ «فضیل بن یسار می گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمودند: ... سپس خداوند عزوجل، نمازها را دو رکعتی واجب کرد، مجموعاً ده رکعت. و پیامبر به برخی از دو رکعتی ها، دو رکعت دیگر اضافه کردند و به نماز مغرب یک رکعت اضافه کردند و بدین ترتیب رکعاتی که پیامبر اضافه کردند، مانند رکعاتی شدند که خداوند قرار داده بود و ترک این رکعات، تنها در سفر مجاز بود. و پیامبر به نماز مغرب یک رکعت اضافه کردند و آن را در سفر و حضر یکسان قرار دادند و خداوند نیز همه این احکام پیامبر را تأیید کرد. پس نمازهای فریضه هفده رکعت شدند. سپس پیامبر نمازهای مستحبی را ۳۴ رکعت قرار دادند (دو برابر نمازهای واجب) و خداوند این را هم تأیید کرد. و مجموع نوافل و فرائض، ۵۱ رکعت هستند». (کلینی، الکافی. ج ۱، ص ۲۶۶)

واجب، مستقل از نماز نافله و تشریح آن بوده است.

۲. صحت نافله و اتمام فریضه، معلول علت ثالثی هستند. طبق این فرض با در نظر گرفتن نفی و اثبات اصل و عکس قضیه، چهار صورت قابل تصویر است که حکم هر یک را جداگانه بیان می‌کنیم:

الف) صحت نافله: نتیجه‌اش اتمام فریضه است.

ب) عدم صحت نافله: نتیجه‌ای ندارد؛ چون ممکن است فریضه برای تمام بودن، علت تامه دیگری هم داشته باشد.

ج) قصر فریضه: نتیجه‌اش عدم صحت نافله است؛ چون اگر نافله صحیح باشد، طبق اصل قضیه، باید فریضه تمام باشد و این خلاف فرض است. از اینجا فهمیده می‌شود که صحت نافله، نمی‌تواند علت مستقلی از علت اتمام فریضه داشته باشد.

د) تمام فریضه: نتیجه‌ای ندارد؛ چون ممکن است تمام فریضه ناشی از علتی غیر از علت صحت نافله باشد.

خلاصه صورت فوق چنین است که اتمام فریضه یا علت تامه دیگری دارد یا ندارد؛ اگر داشته باشد تلازم وجودی و عدمی دو طرف اثبات نمی‌شود و اگر نداشته باشد، طرفین در وجود و عدم متلازم هستند. با شک در اینکه کدامیک از این دو احتمال صحیح است، تنها می‌توان به منتج بودن صور «الف» و «ج» حکم کرد و بس.

۳. صحت نافله معلول تمامیت فریضه باشد؛ مانند اینکه زمانی که همه می‌دانند که برق رفته است، کسی پرسد: چراغ‌ها روشن شده‌اند؟ شما نیز در پاسخ می‌گویید: اگر چراغ‌ها روشن شده بودند که برق هم آمده بود. بر این اساس تمامیت فریضه، علت مشروعیت نافله خواهد بود. حال مشخص است که مراد از تمامیت، حکم تعیینی شارع به اتمام است، نه جواز اتمام یا اتمام بالفعل؛ زیرا در عبارت «لو صلحت النافله، تمت الفریضة» حکم تمامیت تعیینی، اراده شده است، نه تمامیت اختیاری. بنابراین

احتمال روایت نمی تواند دال بر صحت مطلق نوافل باشد.

استدلال به علت مستنبطه از روایت

برخی از فقها با تمسک به علت مستنبطه از این روایت چنین گفته اند که این روایت نشان می دهد که سفر با کثرت نماز تناسب ندارد. پس اگر شرایطی پیش آمد که با کثرت نماز متناسب بود، مثل اماکن اربعه که نماز در آنها فضیلت خاصی دارد و قابل اتمام است، فریضه تمام می شود و نافله نیز مشروعیت خود را باز خواهد یافت. (اراکی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۳)

این بیان هرچند بین حکم و علت آن تناسب موزونی برقرار کرده است، اما دو نکته درباره آن قابل تذکر است:

نکته اول: عدم تناسب سفر با کثرت نماز تاب دو معنا را دارد:

۱. تشریح نمازهای متعدد در سفر خوب نیست؛ چراکه مکلف را به سختی می اندازد. این معنا تنها درباره نمازهای واجب درست است. ولی درباره نمازهای مستحب هر قدر هم نماز مستحب تشریح شده باشد، مشکلی ایجاد نمی شود؛ چراکه مستحبات وظیفه ای به عهده مکلفین نمی آورند که رفع آنها تخفیف حساب شود؛ به عبارت دیگر تشریح وجوب نمازهای متعدد با سفر مناسب نیست، نه با تشریح مطلق نماز.

ممکن است به اشکال فوق پاسخ داده شود که استحباب نیز مراتبی دارد که جعل مراتب سنگین آن موجب نوعی احساس تکلیف و بدهکاری نسبت به خداوند می شود (مانند نگاهی که متدینان، امروزه نسبت به احیای شب قدر یا عزاداری روز عاشورا دارند) که با وجود مشغولیت های سفر نمی توان آنها را ادا کرد. از این رو خداوند این طلب را در سفر و انهداده است تا بندگان دچار عذاب وجدان نشوند. می توان ادعا کرد که نمازهای نافله از این قبیل مستحبات هستند. نحوه سخن گفتن امامان و اصحاب ایشان در این باره شاهدی بر این مدعا است. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ابواب اعداد الفرائض و نوافلها،

باب ۱۷، ح ۴ و باب ۱۸، ح ۲ و ۶ و باب ۱۹، ح ۱ و باب ۲۰، ح ۲)

۲. خواندن نمازهای متعدد با سفر متناسب نیست؛ یعنی شارع از اینکه کسی در سفر زیاد نماز بخواند اکراه دارد. این وجه قطعاً باطل است. علاوه بر اینکه بانقض‌هایی رویه روست؛ از جمله اینکه نمازهای مستحب فراوانی در شریعت وارد شده‌اند که در سفر و حضر مشروع هستند و نمی‌توان اطلاقات بی‌شمار این نمازها را با یک علت ظنی تقيید زد.

نکته دوم: اگر تنها علت تغییر در وضعیت فرائض و نوافل همین علت بود، باید حکم به گونه دیگری رقم می‌خورد؛ مثلاً همه نمازها به نحو یکسانی تغییر می‌کردند یا اینکه مکلف مختار بود که به مقدار خاصی از هر تعداد از نمازهای فریضه و نافله بکاهد. گزینشی بودن تغییرات فرائض و نوافل نشانگر این است که پای علل دیگری هم در میان است. بنابراین نتیجه می‌گیریم علت ادعایی، نه یک علت بلکه حکمت حکم است. زمانی که حکمت یک حکم مرتفع شود، درست است که حکم تماماً به شکل قبل نمی‌ماند، اما صورت بندی جدید آن نیز معلوم نیست. در محل بحث ما زمانی که عاملی مانند فضیلت نماز در اماکن اربعه بر حکمت مذکور غالب می‌شود، فرائض و نوافل به همان صورت قبل نمی‌مانند. ولی مشخص نیست که به چه صورت تغییر خواهند کرد. طبق روایات می‌دانیم که تغییر فرائض، تخییر در قصر و اتمام است ولی از وضعیت جدید نوافل بی‌اطلاع هستیم.

۲. ادله قول دوم

بزرگانی مانند آیت الله سبحانی قائل به عدم مشروعیت نوافل یومیه در این مکان‌ها هستند. هر چند شخص نماز خود را تمام بخواند. ایشان معتقدند که روایات پیش‌گفته بیانگر حکم نوافل شبانه روز نیست. از طرفی دلیلی نداریم که لزوماً هر کس نمازش را تمام بخواند، اجازه خواندن نافله را دارد. پس در صورت اختیار اتمام نیز اقتضای اصل اولی در سفر حذف نوافل یومیه است. (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ص ۴۳۵)

ممکن است در تأیید این بیان به روایت عمار سبابی استناد شود. این روایت را صاحب کامل الزیارات چنین نقل کرده است:

حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَعْقُوبَ الْكِسَائِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَصَّالٍ عَنْ
عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ قَالَ سَأَلْتُ
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْحَائِرِ «قَالَ: لَيْسَ الصَّلَاةُ إِلَّا الْفَرَضُ بِالتَّقْصِيرِ وَلَا
تُصَلِّي التَّوَاتُلَ»^۱ (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۴۷)

بحث سندی

تمامی افراد سند ثقه هستند، غیر از علی بن محمد بن یعقوب. برای توثیق وی ممکن است دوره مطرح شود:

۱. وی از مشایخ بی واسطه مؤلف کامل الزیارات است و شهادت ابن قولویه بروثاقت تمامی مشایخ خود در این کتاب، برای اثبات وثاقت او کافی است.

۲. او از مشایخ اجازه جناب هارون بن موسی تلعبیری است. شیخ اجازه بودن برای کسی مانند جناب تلعبیری نشان از وثاقت او دارد. البته این نکته مخفی نیست که طبق نقل شیخ در رجال، این اجازه در سال ۳۲۵ هجری بوده است. (طوسی، ۱۴۲۷ق، ص ۴۳۱) طبق نقل دیگر شیخ، جناب تلعبیری در سال ۳۸۵ قمری فوت کرده اند (همان، ص ۴۴۹) و این یعنی اخذ اجازه مذکور به شصت سال پیش از فوت وی بر می گردد. طبیعی است که ایشان در آن زمان هنوز جوان بوده اند و از این روی نمی توان این اجازه را قرینه محکمی بروثاقت علی بن محمد بن یعقوب دانست.

بحث دلالی

فراز انتهای روایت که حکم نوافل را بیان می کند نیاز به بررسی دارد. در این فراز اگر مراد

۱. عمار سبابی می گوید: از امام صادق عليه السلام درباره نماز در حائر حسینی پرسیدم. حضرت فرمودند: «نماز واجب شکسته است و نماز نافله نیز نباید خوانده شود».

از نوافل، مطلق نمازهای مستحب باشد، گذشته از اینکه احدی به این مضمون فتوانداده است، روایت با روایات فراوانی که امر به کثرت نماز در این مکان مقدس کرده اند معارضه می کند^۱ (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۹۸، ص ۸۱-۸۴) و همچنین روایاتی که برای زیارت ایشان نمازهایی را ذکر کرده اند. (ابن قولویه، ۱۳۹۸ش، ص ۲۰۰، ۲۰۷، ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۴۰) نمی توان این روایات را تنها حمل بر نمازهای واجب یا کسانی که در کربلا مقیم شده اند کرد؛ چراکه فرض سؤال برخی از آنها مسافر مقصر است. خصوصاً که در برخی از این روایات از نماز نافله سؤال شده است. (همان، ص ۲۴۷) اگر مراد از نوافل نوافل شبانه روزی باشد، روایت دچار تخصیص اکثر می شود؛ چون بیشتر نوافل شبانه روزی در سفر نیز پا برجا هستند. تنها راه خلاصی از این مشکلات حمل سؤال به نوافل روزانه است که محل سؤال اصحاب بوده است؛ همان طور که روایات مجوزه را حمل بر همین موضوع کردیم.

ممکن است تصور شود که حکم تعیینی قصر فریضه از سرتقیه است، پس حکم به سقوط نوافل نیز تقیه ای است. اما این احتمال صحیح نیست؛ چراکه اولاً جمهور عامه در استحباب نوافل در سفر متفق القول هستند، اما در درجه استحباب آن اختلاف دارند. (وزارة الاوقاف، بی تا، ج ۲۵، ص ۲۷۶-۲۷۷) پس نخواندن نوافل به تقیه کمکی نمی کند. البته قابل ذکر است که در حدیثی از عبدالله بن عمر که طبق مبنای خود به سند صحیح روایت کرده، خواندن نوافل در سفر خلاف سیره پیامبر ﷺ و خلفای سه گانه دانسته شده است. (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۳۷۹؛ بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۷۸)

ثانیاً این احتمال وجود دارد که حکم واقعی برای کسانی که نماز قصر را انتخاب کنند، عدم مشروعیت نوافل باشد. درست است که امام در تخییر بین قصر و اتمام تقیه

۱. طبق صناعت باید این مورد را ذیل موارد تخصیص می گنجاندیم. اما عرف نمی پذیرد که عامی گفته شود و خطابات خاص آن، مواردی باشند که بیشترین ابتلا را در موضوع خطاب دارند؛ مانند نماز زیارت و نوافل یومیه.

کرده‌اند، ولی نمی‌توان به قاطعیت گفت که حکم نوافل کسی که این حکم تقیه‌ای را رعایت کند، مشروعیت نوافل است.

اگر سند این روایت را مانند آیت الله خویی بپذیریم در صورت تعارض و امتناع جمع دلالی یا حمل بر تقیه، ترجیح با روایات دسته اول است؛ چراکه شهرت با دسته اول است.

۳. ادله قول سوم

جناب صاحب حدائق مشروعیت نوافل روزانه را منوط به قصد اتمام نماز کرده‌اند و در صورت انتخاب نماز قصر، احتیاط را در نخواندن نافله دانسته‌اند. ایشان نیز حمل روایات قول اول را به نوافل یومیه دچار اشکال دانستند و به اصل اولی، که حذف نوافل در سفر است، رجوع کرده‌اند. اما در صورت اتمام نماز طبق عکس قضیه «لوصلحت النافله فی السفر تمت الفریضه»، نوافل را مشروع دانسته‌اند. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۴۶۸) نقد این کلام از مطالبی که ذیل این حدیث آمد مشخص شد.

حکم نمازهای نافله در مسجد کوفه

در کتب فقهی تفکیکی بین مسجد کوفه و دیگر اماکنه تخییر از جهت صحت نوافل روزانه به چشم نمی‌خورد. طبق بررسی انجام شده کسانی که این بحث را پیش کشیده‌اند، حکم همه اماکن تخییر را یکسان دانسته‌اند. از آنجا که دلیل خاصی درباره نوافل در مسجد کوفه وجود ندارد در این مسئله باید به عمومات فوقانی رجوع کنیم.

۱. وجوه تأسیس اصل در مسئله

چند وجه برای تأسیس اصل در مسئله وجود دارد:

وجه اول

کسانی که به عکس قضیه «لوصلحت النافله فی السفر تمت الفریضه» قائل هستند،

طبیعتاً نماز نافله را در مسجد کوفه نیز مشروع می‌دانند؛ چراکه در این مکان نماز تمام صحیح است، پس نماز نافله نیز صحیح است.

گذشته از اشکالاتی که به اصل این روایت و عکس آن وارد است، این برداشت نیز درست نیست؛ چون اصل قضیه این است که اگر نافله صحیح باشد، حکم فریضه نیز اتمام خواهد بود و لا غیر. پس عکس قضیه چنین است که اگر حکم فریضه تعییناً اتمام باشد، نافله صحیح است. ظاهر چنین عبارتی بیانگر حکم تعیینی است، نه اعم از تعیینی و تخییری. حداقل این است که عبارت نسبت به این فرض مجمل است.

وجه دوم

کسانی که از علت موجود در این قضیه برداشت می‌کنند که حذف نوافل و قصر فرائض، وجوداً و عدماً متلازم هستند نیز نماز نافله در این مکان را مشروع می‌دانند؛ چراکه با پیدایش تناسب بین سفر و کثرت نماز به خاطر فضیلت این مکان‌ها دلیلی برای حذف نوافل باقی نمی‌ماند. (اراکي، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۳)

وجه سوم

استفاده از مفهوم قضیه‌ای که ذکر شد، با این بیان که اتمام فریضه تنها در صورت صحت نافله محقق می‌شود و اگر نافله صحیح نباشد، فریضه هم تمام نخواهد بود. حال که فریضه تمام است، حتماً نافله نیز صحیح است.

اشکال این بیان این است که اساساً قضیه فوق، مفهوم ندارد. گذشته از اختلاف علما در مفهوم شرط، برای مفهوم داشتن یک قضیه شرطیه لازم است که شرط علت منحصره جزا باشد. در بحث دلالتی مربوط به این روایت گذشت که در این باره، اثبات اصل علیت مستبعد است؛ چه برسد به علیت منحصره.

البته درست این است که تلازم وجودی و عدمی برای صحت مفهوم کفایت می‌کند و نیازی به علیت منحصره نیست، اما راهی برای اثبات این تلازم در بحث ما وجود ندارد.

وجه چهارم

برخی از علما برای تأسیس اصل در این مسئله چنین فرموده‌اند: روایات تشریح نوافل می‌گویند: «نمازهای واجب هفده رکعت در شبانه روز است و نمازهای نافله ۳۴ رکعت، دو برابر فرائض، قرار داده شدند تا موجب تکمیل فرائض شوند». (اراکي، کتاب الصلوة، ج ۱، ص ۳۱، ۳۲)^۱ ظاهراً این مطلب این است که ۳۴ رکعت برای کسانی جعل شده است که واجب تعیینی آنها هفده رکعت است، نه کسانی که مخیر بین قصر و اتمام هستند. سپس فرموده‌اند:

اگر کسی بگوید نماز واجب هفده رکعت است، کلامش ظاهر در وجوب تعیینی است. همچنین اگر کسی بگوید ۳۴ رکعت نافله برای کمال هفده رکعت واجب جعل شده است ظهور کلام در هفده رکعت تعیینی است، نه تخییری.

از طرفی روایات سقوط نوافل مسافر مانند «الصلاة في السفر ركعتان ليس قبلهما ولا بعدها شيئاً» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۴۰) ظاهراً در باره کسانی است که وظیفه تعیینی آنها قصر است، نه کسانی که مخیر بین قصر و اتمام هستند. در نتیجه کسی که مخیر بین قصر و اتمام باشد، ذیل هیچ کدام از دو دسته روایت عام قرار نمی‌گیرد و شک در مشروعیت نوافل برای او مساوی است با عدم مشروعیت.

درباره نتایجی که از دو دسته روایت گرفته شد، چند نکته قابل توجه است:

- دسته اول ظهوری در ادعای ایشان ندارد. نهایت ظهور ادله فوق این است که ۳۴ رکعت نافله برای تکمیل هفده رکعت واجب است. اگر عنوان واجب بر نماز کسی که در اماکن تخییر نماز را تمام می‌خواند صادق است، پس نوافل نیز برای او جعل
۱. روایتی که در این متن بدان اشاره شده است را برگرفته از کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام ترجمه می‌کنیم: «پس اگر کسی بگوید: چرا نمازهای نافله ۳۴ رکعت قرار داده شده‌اند، باید به او گفت: چون نمازهای واجب، هفده رکعت هستند و نوافل دو برابر نمازهای فریضه قرار داده شده‌اند تا آنها را کامل کنند.

شده است. درست است که اگر به کسی گفته شود نماز واجب توهفده رکعت است، ظاهر در واجب تعیینی است، اما نمی توان این مثال را به مسئله ماتسری داد. در مقام بیان تقابل بین مستحب و واجب، همان طور که در روایت چنین است، کلمه واجب انصراف به واجب تعیینی ندارد و شامل همه حصص خود می شود؛ مثلاً اگر کسی در اماکن تخییر در حال خواندن رکعت چهارم نماز خود باشد، می توان درباره او گفت که در حال خواندن نماز واجب است و مستحب دانستن دو رکعت پایانی خالی از وجه است.

در تأیید این مطلب می توان از علت موجود در روایت استفاده کرد که می گوید: «برای تکمیل هفده رکعت، به دو برابر نماز نافله نیاز است». درست است که این تعلیل در روایت معروف فضل بن شاذان (ابن بابویه، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۲۶۴) در خصوص علل احکام وارد شده است و در سند این حدیث برخی از راویان، فاقد توثیق هستند (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۱، ص ۳۷)، اما همین مضمون در روایات صحیح نیز وارد شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۶۲، ۳۶۳)

۲. برداشتی که از دسته دوم (الصلاة في السفر ركعتان ليس قبلهما ولا بعدهما شيء) صورت گرفته است نیز محل تأمل است. این روایت و امثال آن بیانگر دو حکم هستند: الف) لزوم قصر فرائض چهار رکعتی؛

ب) حذف نوافل.

حکم اول در اماکن اربعه و حکم دوم در حرمین شریفین و حرم امام حسین علیه السلام تخصیص خورده، ولی درباره مسجد کوفه همچنان دال بر عدم مشروعیت نوافل است؛ هر چند نماز را تمام بخواند. مشخص نیست در بیان فوق به چه دلیل حذف نوافل منوط به قصر فریضه، بلکه منوط به قصر تعیینی فریضه شده است!

نتیجه: دسته اول دال بر مشروعیت تمام نوافل برای افرادی است که نماز یومیه ایشان

هفده رکعت است و با اطلاق خود شامل مسافرانی که نماز تمام را انتخاب کرده‌اند نیز می‌شود. از دسته دوم نیز استفاده می‌شود که برای مسافر نمازهای چهار رکعتی دو رکعتی می‌شود و این نمازها نافله نیز ندارند. از طرفی دسته دوم به واسطه ادله تخییر مسافر در اماکن اربعه، تخصیص می‌خورد و حکم لزوم تقصیر از مسافری که در این اماکن حضور دارد، برداشته شده است. حال سؤال این است که نسبت بین این دو دسته چیست؟

در ابتدا باید توجه کرد که دلیلی که نماز در سفر را تنها دو رکعت می‌داند، به وسیله ادله تخییر مسافر در اماکن اربعه، تخصیص خورده است. برای توضیح کامل مسئله، باید نسبت دو دسته را قبل و بعد از تخصیص بیان کنیم.

اگر موضوع دو دسته را نمازهای چهار رکعتی بدانیم، تا قبل از تخصیص دسته دوم، اصلاً تعارضی بین دو دسته نیست؛ چراکه موضوع اولی نمازهای چهار رکعتی بالفعل است و موضوع دومی نمازهایی است که در حضر چهار رکعتی هستند و در سفر شکسته شده‌اند و اگر موضوع را مشیر به نمازهای یومیه (مثلاً نماز ظهر، عصر و عشا) بدانیم، که ظهور عرفی با همین معنا تطابق دارد، باز هم تعارض حتمی بین دو دسته نیست؛ چراکه موضوع دسته اول نمازهای ظهر و عصر و عشا کامل است و موضوع دسته دوم نمازهای ظهر و عصر و عشا مسافراست. در واقع نسبت بین این دو دسته قبل از فحص کامل از ادله دیگر مشخص نیست. باید ادله دیگری قائم شوند و بیان کنند که در چه مواضعی نماز انسان کامل است و در چه مواضعی شکسته است.

پس از تخصیص، دسته دوم تنها در خصوص لزوم قصر نمازها تخصیص خورده است، اما درباره حکم نوافل تخصیص نخورده است. از طرفی با این تخصیص نمازهای مسافر، که تا کنون باید به قصر خوانده می‌شدند، در اماکن اربعه مخیر بین قصر و اتمام شده‌اند. پس تعدادی از نمازهای ظهر و عصر و عشا مسافر در خصوص تعداد رکعات، از مصادیق دسته اول شده‌اند و در نتیجه نوافل آنها نیز مشروع شده است. اما

دسته دوم همچنان گویای این مطلب است که نمازهای ظهر و عصر و عشاء مسافر نافله ندارند. پس نسبت بین دو دسته عموم و خصوص من وجه خواهد شد. محل اجتماع دو دسته نافله نمازهایی است که مسافر در اماکن اربعه تمام خوانده است. محل افتراق دسته اول، نوافل نمازهای کامل حاضران است. محل افتراق دسته دوم نیز نوافل نمازهای شکسته مسافران است. همان طور که مشاهده می شود، این تخصیص موجب انقلاب نسبت دو دسته نیز نشده است؛ چون همان طور که گذشت، از ابتدا نسبت بین دو دسته روشن نبوده است.

نتیجه: براساس دسته اول کسی که نمازش را قصر می خواند نباید نافله ظهرین را بخواند، ولی در صورت اتمام می تواند چنین کند. ولی براساس دسته دوم روایات در هر دو صورت نباید نافله بخواند. پس این دو دسته درباره کسی که نمازش را در مسجد کوفه تمام بخواند، تعارض می کنند. در حل این تعارض اگر بپذیریم که مخالفت با عامه در تعارض به نحو عموم و خصوص من وجه نیز موجب ترجیح است، مخالفت با عامه مقتضی ترجیح دسته دوم است؛ چون همان طور که قبلاً گذشت، جمهور عامه خواندن نوافل در سفر را مشروع می دانند. اما اگر در این مسئله تشکیک شود، پس از استقرار تعارض و عدم مرجح، طرفین تساقط می کنند. پس نمی توان قائل به مشروعیت نوافل مسافر در مسجد کوفه شد. البته از آنجا که حجتی بر عدم مشروعیت این نوافل در دست نیست، انسان می تواند پس از انتخاب نماز تمام، نوافل نمازها را نیز به نیت رجا بخواند.

نتیجه گیری

مسافر می تواند نوافل ظهر و عصر و تیره را در حرمین مکه و مدینه و حرم امام حسین علیه السلام بخواند و تفاوتی ندارد که قصد کرده باشد نمازهای واجب خود را تمام یا شکسته بخواند. اما در مسجد کوفه به علت تعارض و تساقط اخبار دلیلی بر مشروعیت نوافل مسافر نداریم.

منابع

* قرآن كريم

١. ابن حنبل، احمد بن حنبل (١٤١٦ق)،
مسند احمد بن حنبل، بيروت، مؤسسة
الرساله، چاپ اول.
٢. ابن قولويه، جعفر بن محمد (١٣٩٨ق)،
كامل الزيارات، نجف، دار المرتضويه،
چاپ اول.
٣. اراکى، محمدعلى (١٤٢١ق)، كتاب
الصلاة، قم، دفترآيت الله العظمى اراکى،
چاپ اول.
٤. اشتهاردى، على پناه (١٤١٧ق)، مدارک
العروة، تهران، دارالأسوه، چاپ اول.
٥. اصفهانى، محمد حسين (١٤٠٩ق)، صلاة
المسافر، قم، دفتر انتشارات اسلامى،
چاپ دوم.
٦. بحرانى، يوسف (١٤٠٥ق)، الحدائق
الناضرة فى احكام العترة الطاهرة، قم، دفتر
انتشارات اسلامى، چاپ اول.
٧. بخارى، محمد بن اسماعيل (١٤١٠ق)،
صحيح البخارى، قاهرة، وزارة الاوقاف،
چاپ دوم.
٨. حر عاملى، محمد بن حسن (١٤٠٩ق)،
وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة،
قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
٩. خويى، سيد ابوالقاسم (١٤١٨ق)، موسوعة
الامام الخويى، قم، مؤسسه احياء آثار
١٠. الامام الخويى، چاپ اول.
١١. سبحانى، جعفر (١٤١٨ق)، ضياء الناظر
فى احكام صلاة المسافر، قم، مؤسسه
الامام الصادق، چاپ اول.
١٢. سيستانى، سيد محمد رضا (١٤٣٧ق)،
قيسات من علم الرجال، بيروت، دار المؤرخ
العربى، چاپ اول.
١٣. شيبيرى زنجانى، سيد موسى (١٤١٩ق)،
كتاب نكاح، قم، مؤسسه پژوهشى
راى پرداز، چاپ اول.
١٤. شهيد اول، محمد بن مكى (١٤١٩ق)،
ذكرى الشيعة فى احكام الشريعة، قم،
مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
١٥. شيخ صدوق، محمد بن على (١٣٨٦ق)،
علل الشرائع، قم، كتابفروشى داورى،
چاپ اول.
١٦. صاحب جواهر، محمد حسن (١٤٠٤ق)،
جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام، بيروت،
دار احياء التراث العربى، چاپ هفتم.
١٧. طوسى، محمد بن حسن (١٤٢٧ق)،
الرجال، قم، دفتر انتشارات اسلامى، چاپ
سوم.
١٨. علامه حلى، حسن بن يوسف (١٤١٤ق)،
تذكرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت،
چاپ اول.

۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم، هجرت، چاپ دوم.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۲۱. مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۶ق)، منتهی المقال فی علم الرجال، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول.
۲۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۱۰ق)، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الأطهار، بیروت، مؤسسة الطبع و النشر، چاپ اول.
۲۳. محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۷ق)، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، قم، مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول.
۲۴. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، دفترانتشارات اسلامی، چاپ اول.
۲۵. نووی، یحیی بن شرف (بی تا)، المجموع، بی جا، دارالفکر.
۲۶. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية الكويت (بی تا)، الموسوعة الفقهية الكويتية، كويت، وزارة الاوقاف و الشئون الاسلامية، دارالصفوه، چاپ اول.
۲۷. یزدی، محمدکاظم (۱۴۱۹ق)، العروة الوثقی
- (المحشى)، قم، دفترانتشارات اسلامی، چاپ اول.

